

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پژوهشکده زبان و ادبیات

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

## تحلیل آیین ها و نمادهای پادشاهی در شاهنامه

استاد راهنما:  
دکتر فرانک جهانگرد

استاد مشاور:  
دکتر علیرضا شعبانلو

پژوهشگر:  
فاطمه پوریانی

مهرماه ۱۴۰۰



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مدیریت تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

هیأت داوران در جلسه مورخ ۱۴۰۰/۸/۱

پایان نامه تحصیلی خانم فاطمه پوریانی دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد

رشته زبان و ادبیات فارسی

تحت عنوان :

تحلیل آیین‌ها و نمادهای پادشاهی در شاهنامه

را بررسی کردند و پایان نامه با درجه بسیار خوب با نمره ۲۰ به تصویب نهایی رسید.

امضا استاد راهنمای پایان نامه، سرکار خانم دکتر فرانک جهانگرد

امضا ۱. استاد مشاور پایان نامه، جناب آقای دکتر علیرضا شعبانلو

امضا ۲. استاد داور پایان نامه، جناب آقای دکتر یوسف محمدنژاد

امضا ۳. استاد داور پایان نامه، جناب آقای دکتر غفار برج‌ساز

امضا ۴. رییس پژوهشکده، جناب آقای دکتر علیرضا شعبانلو

امضا ۵. مدیر تحصیلات تکمیلی، جناب آقای دکتر روح الله کریمی

## سپاسگزاری

نخستین سپاس و ستایش از آن خداوندی است که بنده کوچکش را در دریای بیکران اندیشه، قطره ای ساخت تا وسعت آن را از دریچه اندیشه های ناب آموزگارانی بزرگ به تماشا نشیند. لذا اکنون که پایان نامه حاضر نگارش یافته است، بر خود لازم می دانم تا مراتب سپاس را از بزرگوارانی به جا آورم که اگر دست یاریگرشان نبود، هرگز این پایان نامه به انجام نمی رسید.

نخست از استاد راهنمای گرانقدرم سرکار خانم **دکتر فرانک جهانگرد** که زحمت راهنمایی این پایان نامه را عهده دار گردیدند و در تمامی مراحل انجام رساله از راهنمایی های مدبرانه ایشان استفاده نمودم، کمال تشکر و قدردانی را داشته و توفیقات روز افزون ایشان را توأم با صحت و سعادت خواستارم.

از جناب آقای **دکتر علیرضا شعبانلو** که در امر مشاوره این رساله مساعدت نمودند، کمال تشکر و امتنان را دارم و برای ایشان از خداوند سلامت و سعادت ابدی را خواهانم.

همچنین از استادان ارجمند جناب آقای **دکتر یوسف محمدنژاد** و جناب آقای **دکتر غفار برج ساز** که زحمت داوری این پایان نامه را متقبل شدند، تقدیر و تشکر ویژه دارم.

باتشکر  
فاطمه پوریانی

تقدیم به

مقدس‌ترین واژه‌ها در لغت نامه دلم، پدرم که همواره در سایه سار حمایتش، جرئت چشم دوختن به افق‌های دور را یافته‌ام؛

و مادرمه‌بانم

که زندگیم را مدیون مهر و عطوفت وی می‌دانم.

## چکیده :

شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی، روایت گر زندگی پنجاه و دوتن از پادشاهان ایران است. در باور ایرانیان باستان، پادشاه برکشیده خداوند و دارای بالاترین جایگاه بین انسان‌ها می‌باشد. لذا مراحل تشریف و نحوه برگزاری آیین پادشاهی وی و کنش‌ها و ملزومات به کار رفته در آن حائز اهمیت می‌گردد. در پژوهش پیش‌رو که به روش تحلیلی- توصیفی نگاشته شده است، سعی شده با توجه به نظریه میرچا الیاده، نحوه برپایی آیین تشریف پادشاهان را در سه دوره اساطیری، پهلوانی و تاریخی شاهنامه بررسی نماییم. می‌توان آیین تشریف پادشاهان را در دو مرحله بررسی کرد: ابتدا آیینی که نوآموز از بدو تولد تا زمان انتخاب شدن پشت سر می‌گذارد که اصطلاحاً مرحله انتخاب پادشاه می‌نامیم. مرحله اول شامل: جدایی از خانواده، آموزش و تربیت و موفقیت در آزمون تشریف است. مرحله دوم، برپایی آیین پادشاهی را که مهمترین و آخرین مرحله از تشریف وی است، شامل می‌شود. در مرحله دوم آیین‌های مختلفی چون آیین تاجگذاری، آیین برتخت نشستن، آیین نثار و... اجرا می‌شود. بعد از برپایی آیین پادشاهی، پادشاه مرحله جدید زندگی خویش را آغاز می‌کند. کیفیت و چگونگی اجرای آن برپایی آیین تشریف پادشاهان با گذر زمان و متناسب با جایگاه پادشاه، تکامل یافته است. همچنین بررسی کارکرد نمادین کنش‌ها و ملزومات به کار رفته در آیین پادشاهی، جایگاه الوهی، اقتدار و سروری پادشاهان را در ایران باستان به خوبی نشان داده می‌شود.

**کلید واژه:** آیین پادشاهی، تشریف، آیین گذار، نماد، شاهنامه

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	<b>فصل اول: کلیات تحقیق</b>
۱-۱-۱-۱	مقدمه..... ۲
۱-۲-۱-۲	بیان مسئله..... ۳
۱-۳-۱-۳	اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش..... ۴
۱-۴-۱-۴	اهداف پژوهش..... ۴
۱-۵-۱-۵	قلمرو پژوهش..... ۴
۱-۶-۱-۵	سؤال‌های پژوهش..... ۵
۱-۷-۱-۵	فرضیه‌های پژوهش..... ۵
۱-۸-۱-۵	پیشینه پژوهش..... ۵
۱-۹-۱-۶	جنبه جدید بودن و نوآوری پژوهش..... ۶
۱-۱۰-۱-۷	روش انجام پژوهش..... ۷
۱-۱۱-۱-۷	فنون و ابزارهای گردآوری اطلاعات..... ۷
۱-۱۲-۱-۷	فنون و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات..... ۷
	<b>فصل دوم: تعاریف و کلیات</b>
۱-۲-۱-۹	نماد..... ۹
۱-۲-۱-۱۰	خاستگاه نماد..... ۱۰
۱-۲-۲-۱۱	اسطوره..... ۱۱
۱-۲-۲-۱۲	اسطوره و آیین..... ۱۲
۱-۳-۲-۱۳	آیین تشریف..... ۱۳
۱-۳-۲-۱۴	انواع تشریف..... ۱۴
۱-۳-۲-۱۵	آیین تشریف پادشاهی..... ۱۵
	<b>فصل سوم: آیین پادشاهی در شاهنامه</b>
۱-۳-۱-۱۷	دوره اساطیری..... ۱۷
۱-۳-۱-۱۷	کیومرث..... ۱۷
۱-۳-۲-۱۹	هوشنگ..... ۱۹
۱-۳-۳-۲۱	تهمورث..... ۲۱
۱-۳-۴-۲۲	جمشید..... ۲۲
۱-۳-۵-۲۴	ضحاک..... ۲۴
۱-۳-۲-۲۶	دوره پهلوانی..... ۲۶
۱-۳-۲-۲۶	فریدون..... ۲۶
۱-۳-۲-۳۱	منوچهر..... ۳۱

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۳۷.....	۳-۲-۳- نوذر.....
۳۷.....	۳-۲-۴- زو طهماسب.....
۳۹.....	۳-۲-۵- گرشاسپ.....
۳۹.....	۳-۲-۶- کیقباد.....
۴۱.....	۳-۲-۷- کیکاووس.....
۴۱.....	۳-۲-۸- کیخسرو.....
۴۸.....	۳-۲-۹- لهراسب.....
۵۲.....	۳-۲-۱۰- گشتاسپ.....
۵۸.....	۳-۳- دوره تاریخی.....
۵۸.....	۳-۳-۱- بهمن.....
۶۰.....	۳-۳-۲- همای چهر آزاد.....
۶۲.....	۳-۳-۳- داراب.....
۷۰.....	۳-۳-۴- دارا.....
۷۲.....	۳-۳-۵- اسکندر.....
۷۴.....	۳-۳-۶- ادرشیر بابکان.....
۷۸.....	۳-۳-۷- شاپور.....
۸۰.....	۳-۳-۸- اورمزد.....
۸۲.....	۳-۳-۹- بهرام اورمزد.....
۸۴.....	۳-۳-۱۰- بهرام بهرام.....
۸۶.....	۳-۳-۱۱- بهرام بهرامیان.....
۸۶.....	۳-۳-۱۲- نرسی.....
۸۷.....	۳-۳-۱۳- اورمزد بزرگ.....
۸۹.....	۳-۳-۱۴- شاپور ذوالاکتاف.....
۹۱.....	۳-۳-۱۵- اردشیر نیکوکار.....
۹۲.....	۳-۳-۱۶- شاپور شاپور.....
۹۳.....	۳-۳-۱۷- بهرام شاپور.....
۹۴.....	۳-۳-۱۸- یزد گرد بزه گر.....
۹۵.....	۳-۳-۱۹- بهرام گور.....
۱۰۱.....	۳-۳-۲۰- یزدگرد دوم.....
۱۰۳.....	۳-۳-۲۱- هرمزد یزدگرد.....
۱۰۳.....	۳-۳-۲۲- پیروز یزدگرد.....
۱۰۴.....	۳-۳-۲۳- بلاش پیروز.....



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۰۵.....	۳-۳-۲۴- قباد.....
۱۰۸.....	۳-۳-۲۵-نوشین روان.....
۱۱۲.....	۳-۳-۲۶-هرمزد.....
۱۱۷.....	۳-۳-۲۷- خسرو پرویز.....
۱۲۲.....	۳-۳-۲۸-شیرویه.....
۱۲۴.....	۳-۳-۲۹- اردشیر شیرویه.....
۱۲۴.....	۳-۳-۳۰- فرابین.....
۱۲۵.....	۳-۳-۳۱- پوران دخت.....
۱۲۶.....	۳-۳-۳۲- آزر م دخت.....
۱۲۶.....	۳-۳-۳۳- فرخ زاد.....
۱۲۷.....	۳-۳-۳۴- یزدگرد سوم.....
<b>فصل چهارم: تحلیل نمادهای مربوط به آیین پادشاهی در شاهنامه</b>	
۱۳۲.....	۴-۱- ملزومات پادشاهی.....
۱۳۲.....	۴-۱-۱- تاج.....
۱۴۱.....	۴-۱-۲- تخت.....
۱۴۳.....	۴-۱-۳- گرز.....
۱۴۴.....	۴-۱-۴- طوق.....
۱۴۵.....	۴-۱-۵- یاره.....
۱۴۶.....	۴-۱-۶- انگشتری.....
۱۴۶.....	۴-۱-۷- کمر.....
۱۴۷.....	۴-۱-۸- جامه ( لباس).....
۱۴۹.....	۴-۲- کنش‌های نمادین.....
۱۴۹.....	۴-۲-۱- آراستن و تزیین کردن.....
۱۵۰.....	۴-۲-۲- آویختن تاج.....
۱۵۱.....	۴-۲-۳- بر سر نهادن تاج.....
۱۵۲.....	۴-۲-۴- نماز بردن.....
۱۵۳.....	۴-۲-۴- آفرین خواندن.....
۱۵۴.....	۴-۲-۶- گنج بخشیدن.....
۱۵۵.....	۴-۲-۷- خلعت بخشیدن.....
۱۵۶.....	۴-۲-۸- هدیه دادن به پادشاه.....
۱۵۷.....	۴-۲-۹- نثار کردن.....
۱۵۸.....	۴-۲-۱۰- افروختن آتش.....

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۵۹.....	۱۱-۲-۴ - سوزاندن عنبر و زعفران.....
۱۵۹.....	۱۲-۲-۴ - بار دادن.....
۱۶۰.....	۱۳-۲-۴ - خطبه خواندن.....
۱۶۱.....	۱۴-۲-۴ - می خوردن.....
۱۶۲.....	۱۵-۲-۴ - گردآمدن انجمن.....
	<b>فصل پنجم: نتیجه گیری</b>
۱۶۵.....	۱-۵ - نتیجه گیری.....
۱۷۱.....	منابع.....
۱۷۴.....	چکیده لاتین.....

# فصل اول

## کلیات تحقیق

## ۱-۱- مقدمه

یکی از راه‌های شناخت فرهنگ‌ها، شناخت اساطیر و نمادهاست. در واقع اساطیر و نمادها پاسخی هستند که بشر برای پرسش‌های ذهنی خود انتخاب می‌کند. انسان در دوران کهن در پاسخ به کنجکاوای خویش برای دانستن علت وقایع طبیعی، اسطوره‌ها را خلق کرده است و به آن قداست و الوهیت بخشید. از این رو با بررسی و تحلیل اساطیر و نمادها می‌توان به فرهنگ و گذشته ملت‌ها پی‌برد. از آنجا که آثار ادبی بستری برای شناخت بیشتر اساطیر و نمادهای دوران کهن محسوب می‌شوند، شاهنامه سروده حکیم فردوسی را که از آثار پراچ زبان و فرهنگ فارسی شمرده می‌شود، برای پژوهش انتخاب نمودیم. در پژوهش پیش‌رو سعی کردیم آیین‌ها و نمادهای پادشاهی در شاهنامه را مورد بررسی قرار دهیم.

برای رسیدن به این مهم در فصل اول به مسئله مدنظر خود، اهداف و دلایلی که سوق‌دهنده‌ی ما به این مسیر بوده را ذکر کرده و پژوهش‌ها و کتاب‌های نوشته شده در این زمینه را بررسی کردیم. در فصل دوم به بیان تعاریف و کلیات پیرامون مفاهیم کلیدی پژوهش مانند: نماد، اسطوره، آیین تشریف و... پرداختیم و از آنجا که تحقیق برپایه آیین تشریف از منظریه میرچا الیاده بوده، مختصری در این باب توضیح دادیم.

با توجه به نظریه میرچا الیاده در باب تشریف، در فصل سوم مراحل تشریف هر پادشاه را بررسی کرده و در هر دوره مراحل تشریف و آیین‌های پادشاهی را تحلیل نمودیم تا کیفیت و نحوه برگزاری آیین‌ها و سیر تکامل آن در دوره‌های مختلف شاهنامه را نشان دهیم. در فصل چهارم، کنش‌های اجرا شده در آیین تاجگذاری و ملزومات به کار رفته در آن را استخراج کرده و کارکرد نمادین هریک را تحلیل نماییم.

در فصل پنجم که نتیجه پژوهش در خصوص تحلیل آیین‌ها و نمادهای پادشاهی در شاهنامه در سه دوره اساطیری، پهلوانی و تاریخی را به رشته تحریر درآوردیم تا ارتباط برپایی آیین و جایگاه پادشاه را نشان دهیم.

## ۱-۲- بیان مسئله

شاهنامه اثر حکیم ابوالقاسم فردوسی یکی از بزرگ‌ترین و برجسته‌ترین سروده‌های حماسی جهان است. شاهنامه روایت‌گر زندگی و مرگ ۵۲ تن از پادشاهان ایران در سه بخش: اساطیری، پهلوانی و تاریخی است که هر یک شخصیتی متفاوت دارند. به طور مثال کیخسرو، نمونه یک انسان کامل شمرده می‌شود و لقب «شاه جاودانه» می‌گیرد ولی کیکاووس به سبب خودخواهی، خیره سری و سبک‌سری هایش «شاه دیوانه» خوانده می‌شود. ضحاک، پادشاه اهریمنی با خوی شیطانی و ظلم بی پایان مردم را به ستوه می‌آورد در مقابل، فریدون با عدالت و خیرخواهی‌اش آرامش را مهمان زندگی مردم می‌کند.

با وجود تفاوت در خصیصه‌های شخصیتی، در بینش اساطیری پادشاه برکشیده خداوند است. خدای بزرگ او را برای سلطنت بر سرزمین‌ها و اقوام گوناگون انتخاب کرده و واسطه بین خدا و انسان شناخته می‌شود. پادشاه فره ایزدی دارد و انسانی است با ویژگی‌های نیمه خدایی که نسبت به سایر انسان‌ها، در بالاترین جایگاه و مقام قرار می‌گیرد لذا بر تخت نشستن و اجرای آیین پادشاهی وی علاوه بر اهمیت باستانی، مذهبی، ملی و تاریخی، مهم‌ترین تغییر در حیات فردی پادشاه محسوب می‌شود زیرا که وی را برای ورود به مرحله جدید زندگی و تغییر جایگاه، نقش و کارکردهای فردی و اجتماعی وی آماده می‌کند.

«آیین‌ها تصویرگر قاموس و قاعده‌هایی هستند که باورها، ایده‌ها و آموزه‌ها را شکل می‌بخشند» (صالح پور، ۱۳۸۶ : ۷۸) و «مهم‌ترین خصیصه حیات آیین‌ها تنظیم روابط انسانی و محیط‌پذیری و تکرار و تداوم فرهنگ‌هاست.» (همان : ۷۹) لذا حیات جدید پادشاه مستلزم اجرای آیین‌هایی با ملزومات خاص است که در دیدگاه الیاده از آن به عنوان آیین تشریف یاد می‌شود. آیین تشریف، مجموعه‌ای از اعمال و آیین‌های نمادین رایج در جامعه است که گذار انسان از مرحله‌ای از حیات جسمانی، فرهنگی یا اجتماعی به مرحله‌ای دیگر را شامل می‌شود. در این نوزایی نمادین، فرد با پذیرش وظایف و شرایطی به امتیازات اجتماعی- مذهبی جدیدی دست پیدا می‌کند و زندگی‌ای دوباره با جایگاهی تازه را شروع می‌نماید. الیاده مناسک تشریف را از دیدگاه تاریخ دین به سه نوع یا مقوله تقسیم می‌کند. «یک نوع مراسم و آیین‌های دسته جمعی است که برای همه اعضای یک جامعه خاص اجباریست مانند «آیین تشریف به سن بلوغ»، «آیین تشریف قبيله‌ای» یا «آیین تشریف به گروه سنی». دو نوع دیگر، مناسک و آیین‌هایی هستند که انجام دادن آن‌ها برای همه لازم یا اجباری نیست و اغلب به صورت فردی یا گروه نسبتاً کوچکی اجرا می‌شود. از دو مقوله اختیاری، یکی مقوله‌ای است که مناسک و آیین‌های تشریف برای ورود به یک جمعیتی مخفی، انجمنی سری، جمع برادران یا انجمن اخوت را در برمی‌گیرد. آخرین مقوله در ارتباط با امور باطنی اجرا می‌شود که با گونه‌ای حرفه یا پیشه اسرار آمیز ارتباط دارد مثلاً حرفه شمن» (ر.ک الیاده، ۱۳۹۴ : ۲۳) یا به پادشاهی رسیدن. در واقع «پادشاه به واسطه آیین گذار که پیشتر الگوی آن از جانب موجودات الوهی الهام شده در جریان مرگی تشریف آمیز به زندگی گذشته خود خاتمه می‌دهد و تولدی دوباره پیدا می‌کند. تشریف تجدید حیات معنوی پادشاه محسوب شده و سوق دهنده وی به درجات عالی‌تر است.» (همان : ۵۵) آن‌چه که این

گذار را ممکن می‌سازد، طی مراحل گذار و برگزاری کامل و بی نقص آیین تشریف است. به همین جهت مسیری که برای رسیدن به پادشاهی طی کرده و هر یک از آیین‌ها، کنش‌ها و ملزومات مراسم، نحوه برگزاری و کیفیت اجرای آن برای هر پادشاه اهمیت پیدا می‌کند.

در واقع ملزوماتی چون تاج که نماد «شرافت، قدرت، صدارت و نیل به نیروهای برتر» (شوالیه، گربران، ۱۳۷۹، ج ۲: ۲۹۴) است، تخت یا کرسی که «در سراسر جهان به عنوان نماد اقتدار و ریاست محفوظ شده و نشانه برتری جویی و تفضل طلبی است» (همان: ۵۳۹)، لباس که به انسان «تفرد، تشخص و تایید اجتماعی می‌بخشد» (همان: ۴۱۱) و «به عنوان یک نماد بیرونی از فعالیت‌های روحانی و معنوی» (همان: ۴۱۱) است. در کنار ملزومات دیگری مانند طوق، گرز، گوشواره و... هم‌چنین کنش‌های نمادین مراسم: (دریافت و بخشیدن هدایا، چگونگی تاج برسر نهادن، زنار بستن، برافشاندن زبرجد، افروختن آتش، سوزاندن عنبر و زعفران و...) به عنوان یکی از مهم‌ترین نمادهای روزگار هر پادشاه در سه دوره اساطیری، پهلوانی و تاریخی شاهنامه محسوب می‌شوند.

### ۱-۳- اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش

متأسفانه بسیاری از آیین‌های ایران باستان آن‌طور که شایسته باشد مورد بررسی قرار نگرفته است. در این پژوهش برآنیم تا خط سیر فکری نیاکان خود در ایران باستان را در مورد آیین تشریف نشان دهیم زیرا که درباب موضوع پژوهش، جای خالی اثری منسجم با رویکرد علمی به چشم می‌خورد. هم‌چنین در بسیاری از فرهنگ‌ها، نمادهای ایران باستان ذکر نشده است. لذا در تلاش هستیم تا گامی در جهت اسطوره‌شناسی برداشته و به شناساندن فرهنگ ایرانی کمک کنیم.

### ۱-۴- اهداف پژوهش

- بررسی ساختار برگزاری آیین تشریف پادشاهان در شاهنامه
- بررسی نمادها و کنش‌های نمادین آیین پادشاهی در شاهنامه
- تبیین رابطه میان جایگاه پادشاهان با چگونگی توصیف آیین پادشاهی وی در شاهنامه

### ۱-۵- قلمرو پژوهش

- الف) قلمرو مکانی: ایران و قلمرو فرهنگی آن
- ب) قلمرو زمانی: دوره باستان
- ج) قلمرو موضوعی: شاهنامه فردوسی

### ۱-۶- سؤال‌های پژوهش

- سیر تکاملی برگزاری مراحل مختلف آیین تشریف در شاهنامه چگونه است؟
- برگزاری آیین تشریف هر پادشاه در شاهنامه چه نمادها و کنش‌های نمادینی را در برمی‌گیرد؟
- تفاوت جایگاه پادشاهان در شاهنامه با چگونگی برگزاری آیین تشریف هر پادشاه و ملزومات پادشاهی وی چه ارتباطی دارد؟

#### ۱-۷- فرضیه‌های پژوهش

- با گذر زمان و با توجه به اهمیت مقام و مرتبه پادشاهان، نحوه برگزاری آیین تشریف در شاهنامه تکامل یافته است.
- آیین تشریف شامل کنش‌هایی مانند (تاج گذاشتن بر سر پادشاه، لباس پوشیدن، نقل پوشیدن و...) و ملزومات خاصی چون تاج، تخت، انگشتری، گرز و... است که هر یک ارزش نمادین دارند.
- نحوه برگزاری آیین تشریف و به تخت نشستن هر پادشاه متناسب با جایگاه و مرتبه آن‌هاست.

#### ۱-۸- پیشینه پژوهش

-یادی از مراسم تاجگذاری شاهان بزرگ (۱۳۴۶) بیات، عزیز الله: در این اثر نویسنده تنها ابیاتی از شاهنامه که تاجگذاری پادشاهان «از ابتدا (پادشاهی کیومرث) تا عصر پهلوی (پادشاهی رضاشاه)» را نشان می‌دهد استخراج کرده است. در واقع اثر مدنظر جنبه گردآوری دارد و در کنار ابیات، توضیح، تفسیر و شرحی آورده نشده است. حال آنکه ما به دنبال آن هستیم که تا همه جوانب، تک به تک ملزومات و آیین‌ها را استخراج و دسته بندی کرده و بعد از بررسی نمادین هریک، ارتباط آن با جایگاه پادشاهان را نشان دهیم.

-تاجگذاری در ایران باستان (۱۳۴۶) اعتماد مقدم، علیقلی: نویسنده در کتاب ابتدا ابیاتی از شاهنامه که مربوط به مراسم تاجگذاری می‌باشد را گردآوری کرده و سپس ابزار پادشاهی: تاج، دیهیم، افسر، تخت، کلاه، کرسی و اورنگ را به تناسب جنس، گوهر و صفت دسته بندی نموده و توضیح بیشتری بیان نکرده است. با توجه به سال انتشار اثر و جدید بودن دیدگاه الیاده، نویسنده در کتاب از آن بهره نبرده و همچنین به رابطه برپایی مراسم با جایگاه پادشاهان و ارزش نمادین هر یک اشاره نکرده است در حالی که ما به دنبال آن هستیم در کنار سایر ملزومات (جامه، گرز، یاره و...)، آیین‌های پادشاهی و نیز اهمیت نمادشناسانه هریک را بررسی نماییم. هم‌چنین توجه به جایگاه متفاوت پادشاهان و میزان ارتباط آن با نحوه برگزاری آیین‌ها در سه دوره کتاب شاهنامه مورد توجه ماست.

- تاج در شاهنامه (۱۳۷۴) کورت هاینریش هانزن: در این پژوهش سعی شده تا معانی حقیقی و مجازی واژه «تاج» در شاهنامه بررسی گردد. هم‌چنین به اختصار اهمیت صاحب تاج و کاربرد تاجگذاری و آویختن تاج را بیان می‌کند. با توجه به موضوع انتخاب شده، مقاله مذکور تنها به بخش مختصری از کاربرد معنایی تاج اشاره می‌کند و تاج یکی از ملزومات به کار رفته در آیین پادشاهی می‌باشد در حالی که توجه به نمادشناسی تمام ملزومات، کنش‌ها و آیین تاجگذاری مدنظر است.

- فره ایزدی و حق الهی پادشاهان (۱۳۷۷) همایون کاتوزیان، محمدعلی: نویسنده در این مقاله به بیان ویژگی‌های پادشاه در ایران باستان بر اساس شاهنامه پرداخته و مهم‌ترین خصیصه را (فره ایزدی) می‌نامد. در ادامه با بررسی چند نمونه، اهمیت (فره ایزدی) را در پادشاهی و عوامل تأثیر گذار در بازگشت فره از پادشاه را توضیح می‌دهد. هم‌چنین آن را بانظریه (حق الهی پادشاهان) و (حکومت مطلقه) مقایسه می‌کند. با توجه به موضوع انتخاب شده، اهمیت و تأثیر فره ایزدی در انتخاب شاهان به خوبی نشان داده شده است اما این مورد بخش کوچکی از پژوهش ما خواهد بود و دیگر آیین‌ها و نمادهای مراسم پادشاهی نیز مورد توجه است.

-بازتاب آیین راه و رسم آموزی جوامع باستانی در فرهنگ کهن ایران (۱۳۸۵) ورزقانی، نوذر: در هنگام بررسی مقالات مربوط به آیین تشریف در شاهنامه مقاله مذکور توجه بنده را جلب کرد. نویسنده در مقاله سعی کرد آیین تشریف را در مقوله‌های بلوغ، ازدواج بررسی نماید و شاهد مثال‌هایی از شاهنامه را که مربوط به آزمایش‌هایی چون اژدهاکشی بود، بیان کرده است. در مقاله اشاره‌ای به تشریف و مرحله گذار پادشاهان که موضوع اصلی پژوهش ماست، نشده است و تنها بلوغ پسران و دختران و آمادگی برای ازدواج را مورد توجه قرار داده است.

-آیین شهریاری در هفت پیکر و اسکندر نامه نظامی گنجوی (۱۳۸۹) بابازاده، محمد اسماعیل: نویسنده در این پایان نامه آیین‌های شهریاری در کتاب‌های هفت پیکر و اسکندرنامه را در شش فصل به تفصیل شرح داده است. با وجود اینکه کتب انتخابی این پژوهش با شاهنامه متفاوت است اما در حیطه آیین‌های پادشاهی مطالبی که در فصل پنجم (آیین‌های شهریاری از دیدگاه نظامی) بیان شد به خصوص نحوه به تخت نشستن پادشاهان و تاجگذاری آنان می‌تواند حائز اهمیت باشد اما باید این نکته را هم در نظر گرفت که تنها یک فصل از پایان‌نامه به این موضوع پرداخت و ملزومات، کنش‌ها را بررسی نکرده و تنها به صورت کلی به آیین‌ها اشاره کرده است.

- پیوندهای برون متنی شاهنامه فردوسی با مفهوم مرگ و آیین تدفین در فرهنگ ایرانی (۱۳۹۵) ضیال‌الدینی دشتخاکی، علی: نویسنده در این مقاله به بررسی مفهوم مرگ، نگاه مردم، آیین تدفین و مراحل مختلف آن پرداخته است. علت ذکر این مقاله اشاره به این نکته می‌باشد که اگر چه آیین تشریف و نظریه‌یاده در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است اما تا کنون مقاله یا پایان‌نامه‌ای به بررسی آیین تشریف در مورد پادشاهان شاهنامه نپرداخته است.

## ۹-۱- جنبه جدید بودن و نوآوری پژوهش

با توجه به اهمیت جایگاه آیین و فرهنگ ایران باستان در پژوهش خود سعی داریم هر یک از آیین‌ها و نمادها را تحلیل و بررسی کرده و با توجه به میزان کاربرد هر یک، اهمیت و جایگاه آن را نشان دهیم. در واقع به دنبال آنیم که چشم اندازی از آیین‌ها و نمادهای پادشاهی را بیان کنیم تا شناخت بهتری از خاستگاه‌های فرهنگ و اسطوره‌ای ایران باستان ارائه دهیم.

## ۱۰-۱- روش انجام پژوهش



با توجه به موضوع پژوهش و منابع لازم برای نوشتن آن از روش توصیفی - تحلیلی استفاده می‌شود و تمرکز روی تحلیل رویکرد اسطوره‌شناختی آیین تشریف بر مبنای نظریه میرچا الیاده است.

#### ۱-۱۱- فنون و ابزارهای گردآوری اطلاعات

ابزار پژوهش فیش برداری و مطالعه کتابخانه‌ای می‌باشد. جامعه آماری شاهنامه فردوسی و نمونه آماری قسمت‌های مرتبط به جلوس پادشاهان، نحوه برپایی آیین تشریف و مراسم تاجگذاری است.

#### ۱-۱۲- فنون و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

روش پژوهش تحلیلی و توصیفی است.

# **فصل دوم**

## **تعاريف و كليات**

## ۲-۱- نماد

واژه نماد، در زبان فارسی، ترجمه‌ی واژه‌ی انگلیسی سمبل (Symbol) است که «از فعل یونانی به معنی پیوستگی به کار گرفته شده است. این واژه را می‌توان بر توصیف هر شیوه بیانی به کاربرد که به جای اشاره‌ی مستقیم به موضوعی، آن را غیر مستقیم و به واسطه‌ی موضوع دیگری بیان می‌کند.» (چدویک، ۱۳۷۵: ۹) سمبل یا نماد «در ادبیات فارسی در معنای گوناگون دیگری به کار می‌رود از جمله: راز، ایما، دقیقه، نکته، معما، نشانه، علامت، اشارت کردن پنهان، نشانه‌ی مخصوصی که از آن مطلبی درک شود، چیزی نهفته میان دو کس یا چند کس که دیگری به آن آگاه نباشد.» (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژه رمز و نماد)

می‌توان گفت سمبل یا رمز «نام یا حتی تصویری است که احتمال دارد نماینده‌ی چیز مأنوسی در زندگی روزانه باشد و با این حال؛ علاوه بر معنای معمول و آشکار خود، معنای تلویحی بخصوصی نیز داشته باشد. سمبل، معرف چیزی مبهم، ناشناخته یا پنهان از ماست... بنابراین، واژه یا شکل وقتی سمبلیک تلقی می‌شود که بر چیزی بیش از معنای آشکار و مستقیم خود دلالت دارد. سمبل دارای جنبه‌ی ناخودآگاه وسیع‌تری است که هرگز به طور دقیق تعریف یا به طور کامل توضیح داده نشده است» (پونامداریان، ۱۳۶۸: ۹) و «دو جز نماد یا رمز یعنی دال و مدلول آن، بی نهایت باز و گسترده است و ممکن است از سراسر عالم واقع: عالم جمادی، نباتی، حیوانی، فلکی و انسانی، جامه‌ای به عاریت گیرد تا قابل تجلی و تظاهر باشد، به عنوان مثال مفهوم الوهیت و عالم قدس و لاهوت به صورت گوناگون: سنگی برافراشته، درختی بزرگ و سایه گستر، عقاب، مار، اختر و کوكب، انسانی چون مسیح، بودا، کریشنا، مجسم شده است. بنابراین صورت و معنای نماد، هردو محل معانی و تصورات گوناگون و این انعطاف پذیری و گستردگی معنی، خصیصه‌ی نماد به شمار می‌رود.» (دلاشور، ۱۳۶۴: ۱۰) در نتیجه «نماد به چیزی یا عملی گویند که هم خودش باشد و هم مظهر مفاهیمی فراتر از وجوه عینی خودش.» (داد، ۱۳۷۸: ۳۰۱)

از منظر بلاغت «نماد گونه‌ای از پیام و پیام رسانی است که معانی و مفاهیم غیر محسوس، ناشناخته، رازناک و غیر قابل بیان، به شکلی مبهم و غیر منطقی و با ویژگی بسیار معنایی در آن متجلی می‌شود و معمولاً معنای روساختی خود را حفظ می‌کند و بیان نمادین گونه‌ی پیام و انتقال آن به کمک این دسته از نشانه هاست.» (آقاحسینی، خسروی، ۱۳۸۹: ۱۷)

«امروزه نماد در دو مفهوم به کار می‌رود. نماد گاهی در مفهوم گسترده و کلی و گاهی مفهومی انتزاعی و احساس و تصویری غائب برای حواس، به یاری تصویر یا شیء است. نماد در این مفهوم، هر علامتی است که خصیصه نمایش دارد. هر علامتی اعم از حرف، عدد، شکل، علامت اختصاری، کلمه،

قول و حتی حرکت، چه به صورت اشاره با دست و چه به صورت رقص‌ها و مراسم مذهبی، خواه در جوامع ابتدایی و خواه در جوامع متمدن که ناظر بر مفهوم ویژه در ورای ظاهر نمایش خود باشد، نماد یا رمز محسوب می‌شود.» (ستاری، ۱۳۷۶: ۷)

در آثار ادبی نماد به دو صورت به کار می‌رود: «یا در مقام تصویرهای پراکنده در درون اثر حضور دارد یا در کل اثر ساختاری نمادین دارد. در آثار ادبی دو دسته نماد می‌توان جست و جو کرد: دسته نخست، نمادهای عام هستند که تقریباً نزد بسیاری شناخته شده اند مثل سفر به جهان سفلی در آثار ویرژیل، شاعر روم باستان، دانته شاعر ایتالیایی قرون میانه و جیمز جویس، نویسنده ایرلندی معاصر. دسته دوم، نمادهای شخصی و خصوصی است که نزد هر کس تعبیر متفاوتی پیدا می‌کند مانند آنکه شراب‌خواری نزد یکی مظهر بی‌ریایی تلقی می‌شود و نزد دیگری مظهر بی‌خردی و بی‌اخلاقی.» (ر.ک. داد، ۱۳۸۱: ۳۰۲-۳۰۱) برای پی بردن و کشف معنا و تعبیر مختلف واژه نمادین و شناخت کارکردهای متفاوت آن لازم است با خاستگاه نماد آشنا شویم:

## ۲-۱-۱- خاستگاه نماد

برای نماد سه منشاء اصلی ذکر کرده‌اند: ۱- «طبیعت ۲- آیین‌های ملی و اساطیری ۳- دین.

۱. طبیعت:

ارائه یک تصویر نمادین و رمزی از اشیاء طبیعی در کار همه‌ی شاعران دیده می‌شود یعنی شاعر پدیده‌های طبیعی مانند: سنگ، گل، ماه، درخت و... را به کار می‌برد تا مفهوم نامحسوسی را که در ذهن دارد تجسم و آن را محسوس و قابل درک سازد.

۲. آیین‌های ملی و اساطیری

سرچشمه بسیاری از نمادهای ادبی، باورها و اعتقادات و اساطیر ملی و فرهنگی یک قوم است. هر قومی برای بیان ایده‌ها و نگرش‌های اساطیری خویش نمادهای ویژه‌ی خود را دارد.

۳. دین و مذهب:

نمادهای دینی آن دسته از عناصری هستند که شاعر یا نویسنده از گنجینه‌ی معارف دین و مذهب خاصی گرفته و به آن‌ها اهمیت نمادین می‌بخشد. پیشوایان دینی، قهرمانان مکان‌های مقدس، زمان‌های مقدس دینی و اشیاء می‌توانند نمادهای ویژه نزد پیروان هر دینی باشند.» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۹۳-۱۹۰)

نماد با زندگی مردم عجین شده است و سرچشمه بسیاری از نمادها را می‌توان در دین، عقاید، باورها و فرهنگ یک کشور جست‌وجو کرد. از همین رو همواره دو واژه «نماد» و «اسطوره» به دنبال هم می‌آیند.

## ۲-۲- اسطوره

واژه‌ی اسطوره «در زبان‌های اروپایی (Myth) گفته می‌شود و در لغت با واژه‌ی (Historia) به معنی روایت، سخن و تاریخ هم‌ریشه است. از این‌رو، لغت (Story) در انگلیسی که به معنی خبر و قصه آمده با واژه‌ی یونانی (Mouth) به معنی دهان، بیان و روایت از یک ریشه است» (اسماعیل‌پور، ۱۳۷۷: ۱۳)

«اسطوره، روایتی است که واقعیتی اصیل را زنده کرده و برآورده‌ی نیاز عمیق دینی است... و یک عنصر اساسی تمدن انسانی بوده و به هیچ وجه افسانه‌سازی و قصه‌پردازی بیهوده نیست» (معصومی، ۱۳۸۸: ۱۹) بر خلاف زبان قرن نوزدهم که «به هر آن‌چه که با واقعیت تضاد داشت، اسطوره اطلاق می‌شد» (الیاده، ۱۳۸۲: ۵۲)

به عقیده الیاده «اسطوره داستانی قدسی مینوی است که کارهای نمادین خدایان و موجودات فوق زمینی و نیاکان فرهنگ آیین را که در ازل، در زمانی بی‌آغاز، زمان بی‌زمانی روی داده است، حکایت می‌کند.» (الیاده، ۱۳۶۲: ۱۴) لذا «اسطوره پهنه نمادهاست و چهره‌ها و رویدادها در اسطوره نمادین‌اند.» (کزازی، ۱۳۸۰: ۲)

درباره اسطوره، دو نظریه وجود دارد «یکی که کهنه‌تر بود بران بود که خدایان اساطیر جهان باستان در پی ستایش پدیده‌های طبیعت چون آسمان، خورشید، ماه، زمین و جز آن‌ها پدید آمده بودند و بدین روی بنیانی طبیعی داشتند.

نظریه دیگر مربوط به زبان‌شناسی تطبیقی و دانش ریشه‌شناسی بود. این نظریه هنگامی پدید آمد که پژوهندگان با شباهت‌های تردیدناپذیر گروه‌های گویشی با یکدیگر و قانونمند بودن تحولات و تفاوت‌های آن‌ها با هم رو به رو شدند و نیز به این مسئله برخوردند که گروه‌های زبانی مشترک الاصلی هم وجود دارند که به ظاهر از یکدیگر بیگانه‌اند اما در پژوهش‌های ریشه‌شناسانه می‌توان هر یک از گروه‌ها را تا رسیدن به زبان نخستین و مشترک دنبال کرد و در پی کثرت موجودشان به وحدت آغازین و پیش از تاریخ آن‌ها رسید.» (بهار، ۱۳۸۴: ۳۳۵)

در واقع اسطوره‌ها راویان همین لحظات شگرف آغازین هستند به طوری که «در ادوار اساطیری، انسان همیشه مایل بوده به آغاز؛ یعنی به روز ازل که به زعم او خدایان جهان را آفریدند بازگردد و با این بازگشت می‌خواسته است، خود را در آغاز جهان قرار دهد و به این ترتیب، زمان خود و خدایان را یکی کند» (بهار، ۱۳۶۸: ۵۵).

«اسطوره همیشه متضمن روایت یک خلقت است یعنی می‌گوید چگونه چیزی پدید آمده، موجود شده، و هستی خود را آغاز کرده است.» (الیاده، ۱۳۸۶، ۱۴) برای دستیابی به این مهم، از دو نوع اسطوره آفرینش سخن می‌گویند: ۱. اسطوره‌هایی که اساس آفرینش را توجیه می‌کنند؛ تقریباً «در همهٔ ادیان، فرآیند آفرینش با آغاز روشنایی همراه است. در واقع فوران و طغیان این عنصر مینوی است که عالم را ساخته و بنیان می‌نهد» (معصومی، ۱۳۸۸: ۱۷) اسطوره‌های آیینی که روایت شفاهی یک رسم مذهبی و تکراری از الگوی آفرینش هستند؛ از این‌رو «اسطوره‌ی آفرینش کیهان، توجیه‌کننده‌ی همه‌ی اعمال انسان و صورت مثالی مجموعی از آیین‌ها و نظام‌های آیینی هست. هرگونه

تصوّر نوّشدگی و تجدید و بازسازی و احیا به مفهوم ولادت و آفرینش کیهان تأویل پذیر است. « (الیاده، ۱۳۷۲: ۳۸۵)

«از آن جا که این اعمال سرمشق گونه توسط ایزدان و موجودات آسمانی انجام یافته است، تکرار دوره‌ای و اجباری آن‌ها [در قالب آیین‌ها] بیانگر تمایلی است که انسان‌های باستانی به حفظ خود در فضای مقدس پیدایش کیهان داشته‌اند.» (الیاده، ۱۳۷۵: ۱۹۷)

بدین سان آیین‌ها در ارتباط با مذاهب قرار می‌گیرند و نه تنها ابزاری برای انتقال نمادها و ارزش‌های مذهبی تلقی می‌شوند بلکه به کمک خود شناسی باعث بازسازی و تجدید زندگی نیز می‌گردند. لذا ارزش و جایگاه آیین‌ها بیشتر جلوه پیدا می‌کند.

## ۲-۱-۲- اسطوره و آیین

رنه گنون شرق شناس سنت گرای فرانسوی در تعریف آیین چنین می‌گوید: «آیین در اصل مبین چیزی است که بر وفق نظم انجام می‌گیرد.» (ستاری، ۱۳۷۹: ۴۱)

آیین‌ها را به سختی می‌توان از باورها و اساطیر بشر جدا ساخت با دقت در آن‌ها می‌توان تبلور عملی باورها را به صورت مستقیم و یا نمادین مشاهده نمود «آیین‌ها گزارش اساطیر به صورت اعمال و حرکات اند جهان اساطیر را محقق می‌سازند و موجب بهره مندی و بر خورداری موقعیت بشری از صور مثالی فوق طبیعی می‌شوند.» (ستاری، ۱۳۸۶: ۹۹)

«این تاریخچه مقدس - دانش اساطیری - عبرت آمیز و الگوی نمونه‌ای شایان تقلید است: نه تنها تعریف می‌کند که چیزها چگونه به وجود آمدند، بلکه مبانی و زیربنایی برای همه رفتارهای بشری و همه‌ی آداب و رسوم و نهادهای اجتماعی و فرهنگی تعیین می‌کند. از این واقعیت که موجودات غیرطبیعی انسان را آفریده و متمدن کرده‌اند، نتیجه می‌گیرد که مجموع کل رفتارها و فعالیت‌های انسان به تاریخچه مقدس تعلق دارد. این تاریخچه باید به دقت نگهداری و به طور کامل و دست نخورده به نسل‌های بعدی منتقل شود.» (الیاده، ۱۳۹۲: ۱۰)

از همین رو اسطوره‌ها هرگونه ابداع را به مقدسین نسبت می‌دهند و قهرمانان آن‌ها سرشتی خداگونه دارند. در روایت‌های اساطیری آیین‌ها این اجازه را به آدمی می‌دهند تا پس از گذر از سلسله مراحل تعیین شده به حریم تقدس وارد شوند و در جایگاه قهرمان اسطوره ای قرار گیرند.

در واقع اسطوره و آیین، بیان سرنوشتی واحداند که مکمل یکدیگراند بدین معنی که آیین ساحت عبادی و نیایشی آن است و اسطوره تحقق همان سرنوشت در بستر حوادث سرگذشتی زنده» (ستاری، ۱۳۷۹: ۵۰)

در گذشته، آیین‌ها از چنان اهمیتی برخوردار بودند که آدمی هرگونه نظم و چینشی در جهان پیرامون خود را به آن‌ها نسبت می‌داده است. علاوه بر امور طبیعی، کارهای مربوط به زندگی فردی و اجتماعی همچنین هویت هر دسته و گروه اجتماعی نیز از طریق آیین‌ها راه بری شده، اندازه هر کار و